

تعاونی های زنان، مشارکت و تحکیم بنیان خانواده در ایران - دکتر تهمینه دانیالی

تهمینه دانیالی عضو هیئت علمی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

چکیده:

در طی سال‌های اخیر توسعه و توانمندسازی زنان کانون توجه سازمان‌های بین‌المللی و ملی بوده است. آمارها بیانگر سهم ۴۹/۶ درصدی زنان از جمعیت کشور است. بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ مشارکت زنان بویژه در امور اقتصادی مناسب نیست. تجربیات جهانی حاکی از آن است که یکی از راهبردها یا راهکارهای توانمندسازی زنان سازماندهی آنها در قالب تشکلهای اقتصادی، اجتماعی تحت عنوان تعاونی است. در ایران طی سال‌های اخیر راهبرد توانمندسازی زنان از طریق ایجاد و سازماندهی تعاونی‌های زنان مورد توجه قرار گرفته است. از آنجا که افزایش نرخ مشارکت زنان نقش مهمی در تحکیم بنیان خانواده دارد، هدف اصلی مقاله بررسی نقش تعاونی‌های زنان در توانمندسازی، افزایش مشارکت زنان و تحکیم بنیان خانواده می‌باشد.

مقدمه

اصولاً تصور کشور توسعه یافته بدون توجه به رشد اقتصادی غیرممکن است، با وجود آنکه توسعه اصولاً دارای مفهومی کیفی و همه جانبه اعم از سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است، اما در بسیاری از مواقع بدلیل نقش و جایگاه مهمی که رشد اقتصادی در فرآیند توسعه کشورها دارد رشد اقتصادی و توسعه کشور بصورت مترادف بکار می‌رود.

به همین علت، نقش مهم تعاون در فرآیند توسعه جوامع نیز باید معطوف به توسعه اقتصادی آن جوامع باشد و غالباً نیز تاکید بر روی ویژگی‌های اقتصادی شرکت‌های تعاونی است. ویژگی‌های دیگر تعاونی‌ها از قبیل توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی که شرح آنها گذشت دارای اهمیت ثانوی هستند، هرچند که به نوبه خود بسیار مهم و اثرگذار در توسعه و زمینه و بستر رشد اقتصادی جوامع‌اند.

مهمترین ویژگی کشورهای کمتر توسعه یافته و در حال توسعه پایین بودن تولید داخلی، سطح پایین اشتغال و وجود بیکاری آشکار و پنهان فراوان، توزیع نابرابر درآمدها و پایین بودن نرخ مشارکت زنان در امور است. بررسی اجمالی نقش تعاونی‌ها بویژه تعاونی‌های زنان در توسعه اقتصادی و آثاری که این بخش روی هرکدام از ویژگیهای فوق دارد، می‌تواند گامی در جهت توسعه و رشد اقتصادی این کشورها باشد. [۱]

تاریخچه تعاونی‌های زنان [۲]

اولین تعاونی جهان، سال ۱۸۳۰ در «راچدیل» انگلستان از سوی ۶۰ نفر کارگر بافنده و با نام «تعاونی دوستانه راچدیل» شکل گرفت. این تعاونی در عمل موفق به اجرای برنامه های خود نشد و ۱۳ سال بعد در سال ۱۸۴۳ در همان شهر، ۲۷ مرد و یک زن «شرکت تعاونی راچدیل» را راه اندازی کردند. عضویت «تودوال» در جمع مردانه این تعاونی اولین حضور رسمی زنان در تعاونی ها است. پس از آن نیز با وجود اینکه تا سال ها خبری از تعاونی های ویژه زنان نبود، اما همواره زنانی بودند که برای ایجاد روح تعاون، نه فقط ثروت خود، بلکه تمام زندگی و وقت شان را صرف کردند. در قرن نوزدهم یک زن انگلیسی به نام «نوتل بایرون» با علاقه یی وافر کوشید تا راه و رسم تعاون را در زمینه های اجتماعی و اقتصادی به هموعان عصر خود بیاموزد و آنها را به اجرای اصول تعاون بکشد. انتشار اولین نشریه تعاونی در انگلیس مدیون همکاری مادی و معنوی این زن بوده است. او همچنین در تشکیل شرکت تعاونی های شهرهایی چون لیورپول، لیستر، اسپیتال فیلد و سامسکس نیز همکاری چشمگیری از خود نشان داده است. بایرون برای ترویج فرهنگ تعاون، ثروت خود را وقف تاسیس چند مدرسه کرد و اداره آن را به عهده هواخواهان نهضت تعاونی عصر خود سپرد. با اینکه از آغاز فعالیت های تعاونی در قرن نوزدهم هیچ گونه منعی برای عضویت زنان در شرکت های تعاونی وجود نداشت، اما اغلب زنان عضو تعاونی ها به صورت مشتری تعاونی مصرف بوده و در مدیریت تعاونی ها نقشی نداشتند. آنها اجازه فعالیت های اجتماعی و اقتصادی محدودی را داشتند و عملاً در مجامع عمومی از حق انتخاب شدن بی بهره بودند تا اینکه تعدادی از زنان عضو تعاونی ها به این محدودیت ها و محرومیت ها رضایت نداده و با تلاش ها و مبارزات مستمر، سرانجام در سال ۱۸۸۳ میلادی توانستند نقش خود را در پیشبرد هدف های این نهضت به نحو شایسته یی ایفا کنند، بدین ترتیب که ابتدا در نشریه اخبار تعاونی، ستونی برای زنان اختصاص داده شد و زنان با نوشتن مقاله ها، به تبعیض ها و نابرابری ها اعتراض کرده و خواهان بر عهده گرفتن وظایف سنگین تری در تعاونی شدند. پس از آن عده یی از زنان عضو شرکت های تعاونی به فکر افتادند که برای خود سازمانی تشکیل دهند: این سازمان در بدو امر با عضویت پنجاه نفر به وجود آمد و با نام «سازمان صنفی زنان عضو شرکت های تعاونی» فعالیت خود را آغاز کرد. «سازمان صنفی زنان عضو شرکت های تعاونی» به تدریج توانست از همکاری گروهی از زنان روشنفکر و فعال برخوردار شود و به موفقیت های زیادی دست یابد. تجربه موفق تعاونی ها و فعالیت های چشمگیر زنان باعث شده است که امروزه در بسیاری از کشورها به ویژه در کشورهای در حال توسعه روش های گوناگونی برای تشویق زنان و افزایش مشارکت آنان در امور اقتصادی طراحی شود که برخی از آنها توسط سازمان های رسمی مثل بانک ها و تعاونی ها و تعدادی توسط سازمان های غیردولتی به تجربه گذاشته شده است.

کارکرد تعاونی های زنان در تحکیم خانواده [۲]

کارکرد اقتصادی:

خانواده به عنوان کوچکترین واحد اجتماعی و هسته اولیه فعالیت های اقتصادی می باشد. در معیار های سنجش اقتصادی، نقش زن به عنوان هسته مرکزی خانواده بسیار تاثیر گذار است "پشت سر هر مرد موفق یک زن فداکار ایستاده است".

یکی از نیاز های خانواده که در تحکیم آن نیز تاثیر فراوان دارد نیازهای اقتصادی است. ایجاد اشتغال و افزایش درآمد خانواده از طریق حضور زنان در تعاونی ها یکی از نقش های مهمی است که تعاونی ها دارند. آمارها بیانگر آن است که تعداد ۱۹۲۷۰۷ نفر زن در تعاونی ها اشتغال دارند. تزریق درآمد حاصل از عضویت و کار در تعاونی زنان به خانواده، در حل مشکلات اقتصادی و تحکیم بنیان خانواده موثر می باشد.

جدول شماره ۱: گزارش کلان تعاونی های زنان ثبت شده در ایران تا آذر ماه ۱۳۹۱

بر اساس اطلاعات جدول شماره ۱، در ایران تا آذر ماه ۱۳۹۱ تعداد ۱۸ هزار و چهارصد و پنجاه و پنج تعاونی و اتحادیه زنان توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با عضویت ۳۳۵۳۱۶ نفر زن تشکیل و به ثبت رسیده است. [۴] به عبارت دیگر ۱۰ درصد کل شرکت ها و اتحادیه های تعاونی که تا تاریخ مذکور به ثبت رسیده است، در زمره تعاونی های زنان هستند.

آمار بالا نشان می دهد، ۸۸/۵ درصد اعضای تعاونی های مذکور زن و تنها ۱۱/۵ درصد مرد هستند. میانگین تعداد عضو زن در هر تعاونی ۱۸ نفر می باشد. میانگین میزان سرمایه در تعاونی های زنان ۱۷۱۸۱۳ هزار ریال و میانگین اشتغالزایی آنان ۱۰/۱ نفر است.

کارکرد اجتماعی

یکی از ویژگی های تعاونی ها ایجاد نقش اجتماعی برای اقشار مختلف می باشد. تعاونی ها بسترهای لازم برای ورود به اجتماع و مشارکت در امور مختلف اجتماعی را فراهم می کنند. آمارها (جدول شماره ۱) نشان می دهد تعداد ۱۰۴۵۲۸۰۳ نفر زن در تعاونی ها عضو شده و فعالیت دارند.

جدول شماره ۱: گزارش کلان تعاونی های ثبت شده در ایران تا آذر ماه ۱۳۹۱

همانگونه که آمار جدول شماره ۱ نشان می دهد، تا تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۰۲ در ایران ۱۸۳ هزار و دویست و هفتاد و هفت شرکت و اتحادیه تعاونی در بخش های مختلف اقتصادی به ثبت رسیده است. ۴۳ میلیون و پانصد و پنجاه و چهار هزار و یکصد و هفتاد نفر (بیش از ۵۸ درصد جمعیت کشور) در شرکت ها و اتحادیه تعاونی عضویت دارند که ۷۴/۵ درصد آنان مرد و تعداد ۱۰۴۵۲۸۰۳ نفر معادل ۲۵/۵ درصد زن هستند. [۵]

۴۳ میلیون و پانصد و پنجاه و چهار هزار و یکصد و هفتاد نفر (بیش از ۵۸ درصد جمعیت کشور) در شرکت ها و اتحادیه تعاونی عضویت دارند که ۷۴/۵ درصد آنان مرد و تعداد ۱۰۴۵۲۸۰۳ نفر معادل ۲۵/۵ درصد زن هستند. حضور زنان در تعاونی ها موجب گسترش فعالیت های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی می شود.

کارکرد آموزشی

کارکرد فرهنگی

کسب درآمد، افزایش ارزش افزوده محصولات تولید شده و در نتیجه کاهش هزینه‌هایی از قبیل خرید مواد اولیه، هزینه حمل‌ونقل مواد خریداری شده، افزایش سرمایه و رفع احتیاجات از طریق دریافت وام و اعتبارات، فراهم آمدن شرایط برای ارائه هرچه بیشتر نظرات و پیشنهادات و نهایتاً مشارکت بیشتر زنان در تصمیم‌گیریها، افزایش تخصص و مهارت اشاره کرد، که اینها منجر به مشارکت هرچه بیشتر زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌شود. بر این اساس شرکتهای تعاونی به عنوان نیروی محرکه‌ای عمل خواهند کرد که مشارکت زنان را در روند توسعه افزایش می‌دهند. آنچه بیشتر مدنظر است توسعه روستایی است، زیرا زنان روستایی نقش مؤثری در توسعه کشاورزی و در نتیجه توسعه اجتماعی و اقتصادی دارند بدون زنان روستایی، توسعه روستایی تحقق نمی‌یابد و برای این منظور یعنی حضور در فعالیت موثر آنها باید زمینه‌های لازم را فراهم کرد و برای رسیدن به اهداف توسعه روستایی باید آموزش، ترویج و سازماندهی امکان‌پذیر گردد.

حضور بانوان در تعاونیها علاوه بر کمک به رونق اقتصادی خانواده "راهی به سوی استقلال فرهنگی" اقتصادی و اجتماعی بانوان بوده که صد البته در این راه مسائل و مشکلات فراوانی پیش روست. حل مسائل و مشکلات این تعاونی‌ها نیازمند همکاری و همت همه جانبه مسئولین و دست‌اندرکاران می‌باشد. زنان با حضور در تعاونی‌ها علاوه بر برخورداری از مزایای اقتصادی، فرصت کسب تجربه در زمینه رهبری و مدیریت و همچنین شکستن دیوارهای جدایی آنان از زمینه دیگر جامعه را بدست می‌آورند. فعالیت در گروه‌های کاری زنان به آنان کمک می‌کند تا حس خودباوری که پیش‌نیاز مشارکت در تعاونی‌هاست بدست آورند. شرکت تعاونی بانوان از جمله تشکل‌های مردمی هستند که امکان یکپارچه کردن منابع انسانی "تجمیع سرمایه‌های کوچک" ایجاد اشتغال با شرایط آسان و در نتیجه بالا بردن توان اقتصادی زنان را فراهم می‌کند. در این راستا وزارت تعاون می‌تواند زنان را وارد صحنه‌های اقتصادی و اجتماعی سازد و راه را برای حضور فعال تر آنان باز کند. اهمیت تشکیل و توسعه تعاونی‌های زنان از آنجا که زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند بی‌تردید تعاونی‌های زنان بستر مناسبی است که بدور از تبعیض و با رعایت برابری اعضاء در پرتو فرهنگ، مشارکت عمومی برای اشتغال شایسته زنان تشکیل گردیده و از طریق این تعاونی‌ها مشارکت فعال تر آنان در فعالیت‌های توسعه‌ای اجتماعی سرعت می‌یابد. این تعاونی‌های می‌توانند: ۱- فرهنگ مشارکت تعاون و کار دسته جمعی را در گستره جامعه اشاعه دهند. ۲- درآمد خانواده و در نتیجه سطح زندگی فردی و اجتماعی زنان را ارتقاء بخشند. ۳- با تشکیل تعاونی‌ها زنان می‌توانند سهم مشارکت ملی در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را با حضور خویش افزایش دهند.

[۶]

اقتصاد کلان بر مبنای اقتصاد خانوار [۷]

تاریخ اجتماعی ایران می‌گوید اولین شرکت تعاونی زنان ایران در سال ۱۲۹۷ به همت صدیقه دولت آبادی و همراهانش تشکیل شده است. این انجمن با عنوان شرکت خوانین اصفهان به صورت تعاونی در اصفهان تاسیس شد. دولت آبادی با تاسیس این تعاونی سعی در ترویج منسوجات داخلی داشت. شرکت خوانین اصفهان دارای سه کارگاه بافندگی کوچک در شهرهای مختلف بود. در شهر یزد پارچه‌های ابریشمی، در شهر کرمان پارچه‌های پشمی و در شهر اصفهان پارچه‌های کتان بافته می‌شد. در این کارگاه‌ها ۷۰ نفر زن کارگر بافنده کار می‌کردند. تحریم کالاهای خارجی یکی از مسائلی بود که در آن دوران فعالیت زنان زیادی را به خود جلب کرده بود. دولت آبادی نیز در این راه فعالیت بسیار داشت. نه فقط از طریق انجمن نسوان وطنخواه در این مورد مطلب می‌نوشت و ارائه می‌داد بلکه به صورت فعال و همراه با زنان دیگر (دره المعالی) به قهوه‌خانه‌ها رفته و از صاحبان آنان درخواست می‌کرد از مصرف شکر وارداتی امتناع ورزند.

این کار قدم اول برای زن هایی بود که سودای تغییر جهانیشان را در سر داشتند. و برای این تغییر به راه کارهای ساده و در دسترس می اندیشیدند. ایجاد زمینه های مناسب برای استقلال در تمام عرصه های اجتماعی ، اقتصادی از طریق تشکل و توسعه تعاونی های زنان ، تشویق و حمایت از تشکیل شرکت ها و اتحادیه های تعاونی زنان ، فراهم آوردن فرصت های آموزشی و ارتقا مهارت های شغلی مورد نیاز زنان از جمله وظایف وزارت تعاون در این زمینه است.

اهمیت آموزش زنان در خانواده و نقش آن در تعاون [۸]

یکی از اهداف والای تعاون، ساختن انسانی با مسئولیت های فردی و جمعی است . آموزش در شرکت های تعاونی جهت نیل به هدف فوق نقش سازنده و زیر بنایی دارد. وقتی که مسائل و نارسائی ها و نابسامانی های شرکت ها و اتحادیه های تعاونی مورد مطالعه و تحقیق قرار می گیرد ، پیوسته ملاحظه می گردد که قسمت عمده ی نابسامانی ها و مشکلات ناشی از ناگاهی اعضا و مسئولان به وظایف و مسئولیت های خویش در چارچوب فلسفه و روش اقتصادی و اجتماعی تعاون و قانون و مقررات مربوطه می باشد . آموزش در تعاونی ها وسیله است که موجب همکاری بیشتر ، کارایی و توانمندی و بالاخره تبلور فعالیت ها می گردد . یکی از معضلات اساسی فعالیت های تعاونی اکثر کشورهای توسعه نیافته فقدان علاقه و اعتقاد و ناآگاهی تعاونی به کاربرد آموزش می باشد . در حال حاضر با وجود ۱۵۰ سال تجربه ی جهانی همه ی کشورهایی که تعاون را می شناسند ، اصل آموزش را به عنوان یکی از اصول اساسی تعاون قلمداد می نمایند . منتهی تفاوت ها در میدان عمل و بکارگیری روش های آموزشی و استمرار آن و همچنین محیط مناسب آموزش و محتوای آن باز می گردد.

کم سودی و فقدان تخصص لازم باعث می شود اعضای این تعاونی ها امکان مدیریت صحیح شرکت تعاونی را از دست بدهند. به علاوه سطح اشتغال زنان در رشته های مولد و فنی حرفه ای نسبت به مردان بسیار پایین است و این بر نتیجه کار تاثیر جدی دارد. زنان در مساله آموزش نیز با مشکل جدی مواجه هستند. از آنجا که آموزش یک زن آموزش یک خانواده است ؛ محدودیت آنها در دستیابی به آموزشهای تخصصی و شغلی باعث می شود آنها از موفقیت کمتری در حوزه عمل برخوردار شوند و در نتیجه اثرات سوء آن به سمت خانواده بازخورد پیدا کند.

حضور اندک زنان در مشاغل مدیریتی ، مراجع تصمیم گیری ، قانون گذاری و سیاست گذاری باعث شده است مسائل زنان در مرحله قانون گذاری نادیده گرفته شود یا چندان مورد توجه قرار نگیرد. از سوی دیگر به دلایل متعدد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منابع قدرت از دسترس زنان دور هستند. این معضل باعث پایین بودن توان اقتصادی بانوان برای شروع فعالیت اجتماعی می شود.

حضور زنان در تعاونی ها

زنان نیمی از جمعیت فعال هر کشوری را تشکیل می دهند. این نیمه جمعیتی نه تنها موضوع و هدف هر نوع توسعه ای هستند ، بلکه اهرم موثری در پیشبرد اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی می باشند.

در حال حاضر و در کشور ما بخش عمده نیروی کار بالقوه زنان خارج از اقتصاد قرار دارند. علی الخصوص نیروی کار بانوان متخصص. به دلیل نیاز کشور به نیروهای کارآمد و لایق ، سازماندهی و هدایت بانوان علاقمند و متخصص در مسیر درست و واقعی

بسیار حائز اهمیت است. تعاونیهای بانوان بنا بر تعریف وزارت تعاون، شامل آندسته از تعاونیهاست که بیش از ۵۰ درصد اعضای آن را زنان تشکیل می دهند. بدین ترتیب حتی تعاونیهایی که هفت نفر عضو دارند، چنانچه ۴ نفر از اعضای آن را بانوان تشکیل دهند جزء تعاونیهای بانوان محسوب می شوند

حضور بانوان در تعاونیها علاوه بر کمک به رونق اقتصادی، راهی بسوی استقلال فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بانوان است که صد البته در این راه مسائل و مشکلات فراوانی پیش روست. حل مسائل و مشکلات این تعاونیها نیازمند همکاری و همت همه جانبه مسئولین و دست اندر کاران می باشد. علیرغم تمام این معضلات در چند سال اخیر خبرهای خوشی از فعالیت های تعاونی زنان به گوش می رسد. به نظر می رسد زنان دریافته اند هیچ نیرویی جز همت شخصی شان نمی تواند به مشکلات زندگی شان پایان دهد. به همین منظور با جمع شدن در کنار یکدیگر و زیر چتر یک تعاونی توانسته اند قدم تازه ای بردارند.

با توجه به افزایش رو به رشد زنان تحصیلکرده در دانشگاه بهترین راه برای حل بحران بیکاری، تشکیل تعاونی های ویژه زنان است چرا که از یک سو با سیاست کوچک سازی دولت و از سوی دیگر با افزایش نیروهای کار روبرو هستیم.

لازمه این کار اصلاح فرهنگ اشتغال دولتی است هرچند در کنار فرهنگ سازی ایجاد امنیت شغلی نیز ضروری است چون یکی از انگیزه های اشتغال دولتی وجود امنیت شغلی است.

تحقق آرمان عدالت خواهی آن گونه که سرلوحه برنامه های دولت نهم و دهم است بدون توجه به نیازها و توانایی های نیمی از پیکره جامعه ممکن نخواهد بود. برای نزدیک شدن به شرایط این آرمان لازم است فرصت های برابر در اختیار همه مردم قرار بگیرد. مطالعات اجتماعی نشان می دهند ریشه بسیاری از آسیب های اجتماعی که این روزها بسیار به چشم می آید در فقدان توانایی اقتصادی است.

در دنیای پر رقابتی که شرکت های کوچک و بزرگ یکدیگر را می بلعند انتظار نمی رود سرمایه های اندک بتوانند کاری از پیش ببرند بخصوص اگر این سرمایه ها در اختیار بخش ضعیف نگهداشته شده جامعه باشند. با این حال انتظار می رود از طریق یک راهکار جمعی بتوان به نتیجه بهتری رسید. توجه خاص به تعاونی های زنان و تلاش برای توانمند ساختن اعضا ان ها در حوزه های آموزشی و اقتصادی می تواند یک راه حل بومی برای حل این معضل باشد.

زنان کارآفرین بسیاری این روزها با دشواری ها دست و پنجه نرم می کنند اما در مقابل آنها کوتاه نمی آیند. زنان عضو تعاونی های کوچک تولید و بسته بندی مواد غذایی در شهرستان های محرومی مانند اسلامشهر و پاکدشت که معضلات فرهنگی مختلفی دارند یک نمونه هستند. زن تحصیلکرده مهندسی شیمی که منتظر استخدام در یک سازمان دولتی نمانده و کارگاه تولید آب اسید اتومبیل کرده یک نمونه است. زن روستایی که سرمایه اندک خانوادگی اش را صرف راه اندازی کارگاه تولید جاجیم و گلیم کرده یک نمونه است. همه اینها تصویرهایی هستند که نشان می دهند زنان توانمند ایرانی با اندکی حمایت می توانند باعث اتفاق های بزرگی شوند.

نقش حمایت های دولت در گسترش کارآفرینی در میان زنان

امروزه میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی، به یکی از شاخصهای مهم توسعه انسانی مبدل گردیده است. ولی حضور در بازار کار از اهمیت ویژه ای برخوردار است، زیرا فعالیت اقتصادی زنان رابطه مستقیمی با فقر و رفاه اجتماعی دارد. با افزایش فرصت های شغلی برای زنان، سطح فرهنگ و آموزش جامعه ارتقاء می یابد، زنان درآمد مستقل کسب می کنند و وضعیت تغذیه و بهداشت خانواده بهبود می یابد، سن ازدواج بالا می رود و میزان باروری تنزل پیدا می کند. به همین جهت در برنامه های توسعه تلاش می شود تا مشارکت زنان در بازار کار افزایش یابد و زن به عنصری تولید کننده، مشارکت کننده و در عین حال برخوردار شونده از مواهب توسعه مبدل گردد.

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، حضور زنان در بازار کار، متناسب با افزایش سطح تحصیلات آنان افزایش نیافته است و موانع بسیاری بر سر راه فعالیت های اقتصادی زنان در خارج از منزل وجود دارد. این باور در میان اکثریت مردم رواج دارد که در حال حاضر، علیرغم آن که بخش اعظم زنان خارج از بازار کار قرار دارند، کشور با مشکل عظیم بیکاری دست به گریبان است. لذا قطعاً با افزایش شمار زنان تحصیل کرده و فعال بحران بیکاری تشدید خواهد شد. در حالی که میزان فرصت های شغلی که اقتصاد همه ساله خلق می کند، لزوماً تعداد ثابتی نیست. به عبارت دیگر نیروی کار ماهر و با انگیزه، و کارآفرینان نو آوری می توانند به افزایش فرصت های شغلی یاری رسانند. به علاوه نمی توان از نظر دور داشت که بالا رفتن شمار زنان بیکار تحصیل کرده به افزایش نارضایتی در میان این گروه منجر می شود و عوارض اجتماعی - اقتصادی خاص خود را به همراه خواهد داشت. به همین جهت در برنامه های توسعه، اعمال برنامه های مختلف جهت تسهیل فعالیت اقتصادی زنان، به ویژه در اشکال خوداشتغالی و کارآفرینی، مورد تاکید قرار گرفته است.

حمایت از تعاونی های زنان، یکی از مجموعه سیاست های حمایتی دولت است که از سال ۱۳۷۶ به طور گسترده در سراسر کشور به مورد اجرا گذاشته شده است. حمایت های دولت در گسترش کارآفرینی زنان، برای کسب استقلال مالی و به کارگیری استعداد و توان خود، به نحو فزاینده ای وارد بازار کار می شوند. بخشی از زنان فعال ترجیح می دهند که به طور مستقل کار کنند و با پذیرش مشکلات و ناطمینانی های فضای کسب و کار، به ایجاد واحد اقتصادی دست می زنند. [۹]

شمار زنان کارآفرین در دهه های اخیر رو به فزونی داشته است ولی هنوز زنان سهم کوچکی در کل کارآفرینان کشورهای مختلف را به خود اختصاص می دهند، در حالی که خلاقیت و توان کارآفرینی زنان نهاده تولیدی ارزشمندی در جهت تسریع آهنگ رشد اقتصادی و خلق فرصت های شغلی جدید است. هر چند خودباوری، ریسک پذیری، انگیزه ی پیشرفت، خلاقیت و ... از ویژگی های زنان کارآفرین است و انتظار می رود که این گروه با وجود مشکلات محیطی، موانع فعالیت را از سر راه بردارند، ولی گروهی از کارشناسان حمایت های مستقیم و غیر مستقیم دولت را عامل مهمی در موفقیت زنان کارآفرین در کشورهای صنعتی و در حال توسعه می دانند. [۱۰]

برخی معتقدند که برای ارتقاء توانمندی زنان، دولت باید کمبود نقدینگی و سرمایه ی زنان کارآفرین را مورد توجه قرار دهند و به نحو مقتضی این مشکل را حل کنند. بسیاری از کارشناسان بر لزوم اجرای برنامه های آموزشی و مشاوره ای دولت برای قابلیت آفرینی در میان زنان و هدایت آنان در مسیر کارآفرینی تاکید به عمل آورده اند ولی گروهی از کارشناسان معتقدند که حمایت های مستقیم دولت به صورت کمک های مالی به صورت وام های کم بهره و بلند مدت، برای توسعه کارآفرینی در میان زنان ضروری است.

برخی نیز معتقدند که نقش دولت برای توسعه کارآفرینی به حمایت های مالی محدود نمی شود و اجرای همزمان سیاست های مناسب آموزشی و فرهنگی، اصلاح و تسهیل قوانین مرتبط با کسب و کار، برای پرورش و حضور نیروهای کارآفرین ضروری است.

مطالعات تجربی نشان می دهد که وام های دولتی با نرخ های بهره ارزان یا سبب شکل گیری شرکت های صوری می گردد که در عمل وجود خارجی ندارند؛ و یا به تاسیس شرکت های ضعیفی منجر می شوند که عموماً قادر به ادامه ی کار نیستند ، به علاوه پرداخت وام های کم بهره و با اقساط بلند مدت ، و تامین تسهیلات بیمه ی سرمایه گذاری و... از سوی دولت ، بدون تلاش در جهت ارتقاء آگاهی عمومی نسبت به استعداد و توانمندی زنان در عرصه های مختلف اجتماعی - اقتصادی ، در بسیاری موارد به هدر دادن منابع است. [۱۱]

از آنجا که یکی از مهمترین مشکلات شرکت های کوچک و متوسط ، مدیریت مالی مناسب است ، کمک های مالی دولت مانع از آن است که این گونه شرکت ها با مشکلات مدیریت مالی در شرکت به درستی مقابله کنند. کمک های مالی دولت حتی ممکن است مشکل مدیریت مالی ضعیف را تشدید کند. [۱۲]

دولت ایران ، با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و تاکید بر اهمیت بخش تعاون در رشد اقتصادی و تامین عدالت اجتماعی ، از طریق تسهیل دریافت وام نسبتاً بلند مدت ، بخشودگی های مالیاتی و ... از کارآفرینانی که به تاسیس شرکت های تعاونی اقدام نمایند ، حمایت می کند. این سیاست سبب شده است که بسیاری از افراد به طمع بهره گیری از این حمایت ها ، به تاسیس شرکت های صوری اقدام نمایند.

تجربه شرکت های تعاونی بانوان در طول دهه گذشته نشان می دهد که کمک های مالی دولتی ، بدون برنامه های گسترده ی آموزشی ، فرهنگی و اجتماعی ، ممکن است به ارتقاء توان کارآفرینی بانوان و خلق فرصت های شغلی پایدار منجر نشود و منابع مالی محدود دولتی در مجاری غیر بهینه به هدر رود. شرکت های تعاونی زنان یکی از اشکال برجسته ی سیاست های ناموفق دولتی در حمایت از گسترش کارآفرینی در میان زنان است . مداخله دولت در شکل گیری و تداوم کار شرکت های تعاونی زنان آثار مثبت ناچیزی بر سهم کارآفرینان زن در تولید و اشتغال به دنبال داشته است .

ارتقاء سطح تحصیلات زنان ، کاهش تعداد فرزندان خانوارها ، پذیرش اجتماعی فعالیت های اقتصادی زنان در خارج از منزل ، امکان دستیابی به مهد کودک ، تغییر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و افزایش فرصت های شغلی در ادارات و کارخانه ها برای زنان ، افزایش نرخ طلاق و... رونداً افزایش حضور زنان در بازار کار ایران را شتاب بخشیده است. حضور سنتی زنان در فعالیت های کشاورزی، صنعتی و خدماتی عامل مساعدی جهت پذیرش فعالیت زنان در خارج از منزل بوده است . حمایت های مالی و غیر مالی دولت از کارآفرینان ، نقش مهمی در رشد اقتصادی بسیاری از کشورهای صنعتی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه ایفا نموده است .

[۱۳]

تاثیر خانواده بر فرآیند تعاونی شدن زنان

کلیه جوامع، انسانها از جهات گوناگونی منجمله جنس، سن، نژاد، مذهب، قیافه ظاهری، قدرت بدنی، بهره هوشی و استعدادها از یکدیگر متفاوتند. رفتار غیر یکسان (معمولاً تحقیر آمیز) افراد با یکدیگر به دلیل این تفاوتها تبعیض نامیده می شود. انسانی که از تبعیض رنج می برد نمی تواند استعدادهای بالقوه خود را به فعل برساند و ارتباط سالمی با دیگران داشته و نهایتاً در سرنوشت جامعه خویش نقشی سازنده به عهده گیرد. تاریخ بشر سراسر آغشته به تبعیض بوده است؛ تبعیض بین سیاه و سفید (تبعیض نژادی)، تبعیض بین زن و مرد (تبعیض جنسی)، تبعیض بین کوچک و بزرگ (تبعیض سنی)، تبعیض بین ثروتمند و فقیر (تبعیض طبقاتی)

و در یک کلام تبعیض بین قدرتمند و ضعیف. توجه به جنسیت به عنوان یکی از مشخصه های قشربندی مدت زیادی نیست که مطرح شده است. در بررسی های انجام شده در خصوص طبقات اجتماعی و قشربندیها نیز تا مدتها به این مساله توجهی نمی شد. [۱۴]

یکی از مشکلات اصلی که در مطالعه جنسیت و قشربندی در جوامع امروزی مطرح گردیده و معمولاً پیش پا افتاده به نظر می رسد میزان درک فرودستیهای جنسیتی در اجتماع بر اساس تقسیم بندی های طبقه ای است. آنچه مسلم است فرودستی جنسیتی از نظر تاریخی بسیار ریشه دارتر از نظام طبقاتی هستند. حتی در جوامع شکارگر و گردآورنده خوراک هم (که ظاهراً بی طبقه بودند) مردان موقعیتی برتر از زنان داشته اند، اما تقسیم بندی طبقاتی آنچنان در جوامع امروزی بارز است که نمی توان در ارتباط نزدیک آن با نابرابریهای جنسیتی شک کرد. بدیهی است که پایگاه زنان در مقایسه با پایگاه مردان در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی، از جمله فرصتهای شغلی، مالکیت، درآمد و مانند آن با عوامل نامساعد بسیاری همراه است. اما این نابرابریها که در ارتباط با اختلافات جنسی است عملاً به عنوان اجزای تشکیل دهنده قشربندی در نظر گرفته نمی شوند. علت امر این است که برای اکثریت عظیم زنان تخصیص پاداشهای اجتماعی و اقتصادی اساساً بواسطه وضعیت خانواده هایشان و به ویژه وضعیت رئیس (مرد خانواده) تعیین می گردد. اگرچه امروزه زنان صرفاً به علت جنسیتشان از امتیازات منزلتی معینی برخوردارند. اما در واقع حقوقشان در برخورداری از این امتیازات صرفاً به وسیله شغل خود ایشان تعیین نشده، بلکه معمولاً بوسیله شغل پدران یا شوهرانشان تعیین می شود. دلفی معتقد است که جامعه شناسان نابرابری های شغلی طبقاتی را مسئله اصلی قلمداد نموده اند اما تحقیقات نشان می دهد که نابرابری جنسیتی مسئله اصلی و از نابرابری شغلی بنیادی تر است به این ترتیب فرودستی جنسیتی را نمی توان فرعی و از این رو کم اهمیت تر از ستم طبقاتی تلقی کرد. موقعیت جنس مونث در جهان سوم بدتر از همه جا می باشد. آنان نسبت به مردان قدرت و اختیارات کمتری دارند. بیشتر کار می کنند، اما دستمزد کمتری می گیرند و با این همه مسئولیت بیشتری دارند. اما آنچه در این بررسی برای ما اهمیت دارد بررسی این نکته است که زنان ایرانی به عنوان نیمی از اعضای جامعه چه وضعیتی دارند؟ آیا فرادستی و فرودستی طبقاتی در مورد آنها صدق می کند یا خیر و اگر پاسخ مثبت است درجه اهمیت آن تا چه حد است. شاید بتوان با یافتن پاسخ مناسب تلاشی در جهت اعمال سیاستهای مناسب را برای بهبود اجتماعی آغاز کرد. این هدف زمانی تحقق می یابد که تمامی آحاد جامعه را در بر گرفته و تمامی گروههای مختلف را از هر دو جنس شامل گردد. نظر به این که زنان تقریباً نیمی از اعضای جمعیت را تشکیل می دهند، هیچ برنامه ای بدون توجه به آنان توفیق چندانی نمی یابد و نهایتاً هیچ توسعه ای پایدار و کامل نخواهد بود.

اثر بخشی عملکرد تعاونی های زنان بر مشاغل خانگی

ابهامات فراوانی پیرامون نقش آماده سازی شغلی و مهارت های کسب و کار بر توانمندسازی زنان جویای کار وجود دارد. همواره یکی از چالش های اصلی ارگان های اجرایی کشور از جمله وزارت کار و امور اجتماعی این است که فعالیت های بخش های گوناگون سیستم را به گونه ای طراحی کنند که بتوانند در دنیای پرتحول امروز، توانمندسازی زنان را افزایش داده و در این راستا از آماده سازی شغلی و مهارت های کسب و کار به عنوان ابزاری مؤثر استفاده نمایند.

در آموزش های مرتبط با آماده سازی شغلی به دانش آموختگان زن جویای کار آموزش داده می شود تا در برخورد با چالش های زندگی بدانند چگونه از فرآیندهای حل مسئله استفاده کنند، چگونه به خود و ذهن خود اعتماد کنند و از خود باوری کافی

برخوردار گردند، در عین حال که از اطلاعات بازار کار و سایر امور شغلی و حرفه ای موجود در محیط پیرامون خود نیز مطلع گردند.

در آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های کسب و کار به گروه هدف (دانش‌آموختگان زن جویای کار) فرصت داده می‌شود تا علاوه بر شناسایی توانایی‌ها، قابلیت‌ها و علائق خود، اطلاعاتی در زمینه مشاغل و فعالیت‌های مورد علاقه خود به طور هدفمند کسب کنند و سپس در راستای خودسازی از آن بهره‌مند شوند. در جریان آموزش، جنبه‌هایی چون: انگیزه‌های شغلی، خلاقیت و نوآوری در افراد تحت آموزش شناسایی و تقویت می‌شود. چگونگی آگاهی از اطلاعات بازار، جمع‌آوری اطلاعات بازار، چگونگی شناسایی فرصت‌های شغلی، کاری و تجاری موجود در محیط و کسب این فرصت‌ها برای راه‌اندازی کسب و کار فردی در مقیاس‌های خرد، کوچک و متوسط و بالاخره تهیه و تدوین حداقل دو طرح کسب و کار (Business Plan) نیز آموزش داده می‌شود.

در حال حاضر یکی از مهم‌ترین الزامات برای ورود دانش‌آموختگان زن به بازار کار، داشتن آمادگی شغلی و برخورداری از مهارت‌های کسب و کار و خلاقیت و نوآوری است. به‌کارگیری آموزش، استدلال و هدایت‌های مستقیم و غیرمستقیم، از جمله راهکارهایی است که با استفاده از آن می‌توان با حفظ سلامت عاطفی و عمومی، خویشتن‌پنداری مثبت، عزت‌نفس و اعتماد به نفس را برای دانش‌آموختگان زن جویای کار به ارمغان آورد.

در حال حاضر، بسیاری از تلاش‌هایی که در زمینه توانمندسازی زنان جویای کار صورت می‌گیرد، با عدم موفقیت روبروست؛ زیرا تولید فکر و خلاقیت، هماهنگی با این تغییرات و ایجاد تغییرات نو، نیاز به توانمندی ویژه‌ای در حیطه‌های گوناگون، با استفاده از آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار دارد و بهره‌مندی از آن‌ها منجر به بهبود مستمر عملکرد، ارتقاء صلاحیت، تغییر در رفتار و در نهایت توانمندسازی این زنان می‌شود. [۱۵]

شرایط اقتصادی ایران و گذر از مرحله‌ی اقتصاد تک‌محصولی، ضرورت فراهم آوردن بستر دیگری را ایجاد نموده است که در درون خود شرایط بهره‌مندی از منابع طبیعی، انسانی، تولید و خدمات در بخش‌های مختلف اقتصادی را فراهم می‌سازد. تجارب کشورهای حاکی از آن است که اکثر آنها به منظور توسعه اقتصادی و نیز برون‌رفت از بحران‌های اقتصادی، مهارت‌های کسب و کار را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده، فضای مناسبی برای توسعه آن ایجاد کرده‌اند و در کنار آن به تقویت نقش زنان در مهارت‌های کسب و کار و فعالیت‌های کارآفرینی پرداخته‌اند.

در ایران نیز که بی‌تأثیر از تغییرات اقتصادی نمی‌باشد و شرایط اقتصادی به گونه‌ای است که توسعه مهارت‌های کسب و کار می‌تواند فرصت مناسبی برای مواجهه با بحران‌های موجود، اشتغال‌زایی، افزایش قابلیت‌های تولیدی و خدماتی فراهم سازد، از این رو، نقش آماده‌سازی شغلی و مهارت‌های کسب و کار پررنگ‌تر شده و ارتباط تنگاتنگی با فرآیند جویندگی کار و بهبود وضعیت اشتغال در کشور دارد. بنابراین، می‌توان نقش توسعه مهارت‌های کسب و کار و آماده‌سازی شغلی بر توانمندسازی زنان جویای کار را ضروری دانست. به منظور توانمندسازی زنان جویای کار، می‌بایست شیوه‌هایی را برای کشف شایستگی افراد به منظور توسعه توانمندی‌ها و به حداکثر رساندن فرصت‌ها ایجاد نمود که در این میان استفاده از آموزش‌های آماده‌سازی و مهارت‌های کسب و کار جهت توانمندسازی زنان جویای کار، بی‌تأثیر نیست. به همین دلیل به عنوان یکی از عوامل کلیدی در برنامه‌ارگان‌های اجرایی کشور از جمله وزارت کار و امور اجتماعی قرار گرفته و به طور مستمر و جدی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در این راستا تحقیقات فراوانی نیز صورت گرفته است.

نتایج این تحقیقات نشان می دهد که ضروری است توانمندسازی دانش آموختگان زن جویای کار با تاکید بر سه عنصر توانمندسازی فردی، توانمندسازی اجتماعی و توانمندسازی اقتصادی صورت گیرد تا از این طریق بتوانند به اشتغال زایی پرداخته و توانایی برطرف نمودن مشکلات مرتبط با کسب و کار را به دست آورند. چرا که توانمندسازی اولین قدم در راستای اشتغال زایی و همچنین کارآفرینی می باشد.

تحقیقات نشان می دهد، توانمندسازی یک ایده متداول محسوب میشود که به عنوان بخشی از عوامل توسعه نیروی انسانی، قادر است اشتغال زایی و کارآفرینی را بوجود آمده و با بهبود عملکرد افراد، به تثبیت نیروی انسانی کارآمد، یاری رساند. البته توانمندسازی، در برخی از جوامع و بخصوص در بخش های دولتی با عدم موفقیت مواجه است؛ زیرا توانمندی به تولید فکر و خلاقیت و هماهنگی با تغییرات و ابداع تغییرات نو، نیازمند است که این امر در بخش های دولتی کمتر امکان بروز می یابد؛ از این رو، توانمندی کمتری نیز مشاهده می شود. در نهایت، عنوان می شود که توانمندسازی زنان جویای کار، نیازمند آموزش های ویژه ای است که در طی این آموزش ها بتوانند به توانایی غلبه بر مشکلات، تفکر خلاقانه و... دست یابند و از این طریق بتوانند به اشتغال زایی و در نهایت کارآفرینی دست یابند.

آمارها

براساس آمارهای ارائه شده از سوی اتاق تعاون مرکزی ایران و مرکز امور زنان ریاست جمهوری [۱۶]، در حال حاضر ۱۷۵۰۰ تعاونی زنان با بیش از ۴ میلیون عضو در بخش های مختلف کشاورزی، روستایی و عشایری فعال است. در سال ۸۸ مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی ۱۴/۱ درصد بود که این سطح فعالیت در سال گذشته به ۱۲/۹ درصد کاهش یافته است. در راستای جبران این موضوع، قرار شده حضور زنان در بخش تعاون پررنگ تر شود که برگزاری نخستین جشنواره بین المللی تعاونی های برتر زنان مسلمان از اقدامات در نظر گرفته شده در این زمینه است.

ایران به عنوان کشوری که در سطح جهان و منطقه به عنوان نماد تعاون اسلامی مطرح است، با عضویت نیمی از جمعیت خود در تشکل های تعاونی و حضور در اتحادیه بین المللی تعاون همواره پرچمدار توسعه فرهنگ و اقتصاد تعاونی بوده است.

بر اساس آمار موجود در سال ۸۵ معادل ۳۰/۹ درصد زنان در بخش کشاورزی، ۳۱/۷ درصد در بخش صنعت و ۳۷/۳ درصد زنان در بخش خدمات فعال بوده اند؛ این در حالیست که در سال ۸۸ معادل ۳۰/۵ درصد زنان در بخش کشاورزی، ۲۵/۵ درصد زنان در بخش صنعت و ۴۴ درصد از آنان در بخش خدمات فعالیت می کردند. از این آمار می توان نتیجه گرفت که زنان طی این سالها بیشتر به فعالیت های خدماتی روی آورده اند.

تاکید بر اهمیت مالکیت و توسعه ثروت مبتنی بر اقتصاد اسلامی از طریق تعاونی های زنان، کمک به جنبش تعاون و تبادل تجربیات موفق در این بخش، کمک به توانمند سازی تعاونی های زنان و ارتقای سطح بینش، دانش و مهارت های آنها، ارائه دستاوردها و توانمندی های زنان جهان اسلام در بخش تعاون، توسعه ارتباطات و مناسبات اقتصادی، اجتماعی میان تعاونی های زنان، ارتقای نقش زنان مسلمان در مناسبات اقتصادی و فضای کسب و کار و بررسی فرصت ها، چالش ها و موانع موجود در توسعه تعاونی های زنان از جمله اهداف این تعاونی هاست.

نتیجه‌گیری

منابع انسانی یکی از عوامل موثر توسعه جوامع محسوب می‌شود که از آن به عنوان سرمایه اصلی توسعه نام برده می‌شود، بنابراین موفقیت هر کشوری در مسیر توسعه، پیوستگی تنگاتنگی با کیفیت منابع انسانی آن کشور دارد، منابع انسانی شامل کلیه زنان و مردان می‌باشد، مطمئناً کشوری در مسیر توسعه موفق خواهد بود و یا به عبارتی مرحله گذر از توسعه نیافتگی به توسعه یافتگی را به سرعت و با موفقیت خواهد پیمود که به زنان که تقریباً نیمی از جمعیت آن را تشکیل می‌دهند، اهمیت بیشتری داده و در برنامه‌های توسعه به آن جایگاه ویژه‌ای اختصاص دهد.

برای مشارکت زنان باید در امور توسعه زمینه‌های لازم از جمله سرمایه‌گذاری کافی در جهت توسعه و تنوع فرصت‌های اشتغال و جهت‌گیری و راهنمایی آنان در گروه‌های شغلی، افزایش سرمایه‌گذاریها در جهت بالا بردن تحصیلات بویژه برای زنان روستایی و کسب مهارت و تخصص لازم، فراهم شود. با وجود آن که زنان، نقش بسزایی در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و توسعه ایفا می‌کنند، جوامع مختلف این نقش را نادیده گرفته، زمینه لازم برای مشارکت زنان را فراهم ننموده و در نتیجه موانع و مشکلاتی بر سر راه مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی به وجود آمده که منجر به عدم انگیزش این بخش از جامعه، در توسعه شده است. در این بین، موانع اقتصادی اجتماعی، سیاسی، فرهنگی مهمترین موانع مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشند.

در رابطه با از میان برداشتن موانع و مشکلات موجود بر سر راه حضور زنان در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باید به اصلاح باورهای فرهنگی مردم و جامعه پرداخت ضمن این که برای رفع این موانع باید طوری برنامه‌ریزی کرد که به پایداری و اعتقادات محکم و استوار زنان به نهاد مقدس خانواده منجر شود، نه اینکه به جدایی آنان از خانواده بیانجامد، چرا که مشارکت زنان در غرب طوری انجام پذیرفته است که آثار سوئی برای این کشورها به دنبال داشته است.

ابزاری که می‌تواند در رفع موانع موجود در مشارکت زنان در روند توسعه اقتصادی و اجتماعی نقش موثری داشته باشد، تشکیل تعاونیهای زنان بخصوص تعاونیهای زنان روستایی می‌باشد، همانطور که گفته شد توسعه روستایی بدون مشارکت زنان تحقق نمی‌یابد و این تعاونیهای زنان است که می‌تواند با فراهم کردن زمینه‌های لازم برای مشارکت هر چه بیشتر زنان روستایی، از جمله آموزش، هدایت و سازماندهی، نقش مؤثری در توسعه به‌ویژه توسعه روستایی، امور کشاورزی و در نهایت توسعه اقتصادی و اجتماعی یک کشور را به همراه داشته باشد.

پیشنهادات

با توجه به آنچه که از ابتدا بیان کردیم، گرچه تردیدی در لزوم اهمیت هر کدام از انواع تعاونی‌ها برای پیشرفت و توسعه کشورهای در حال توسعه و خصوصاً جوامع روستایی وجود ندارد، با این حال عوامل متعدد داخلی و خارجی محدودیتهایی را در کار پیشرفت تعاون بوجود می‌آورند. بی تفاوتی و بی اطلاعی بعضی از اعضاء، کمبود دانش و مهارت‌های فنی و تخصصی، نهادینه نشدن فرهنگ تعاون در بین بعضی مردم، مشکلات مدیریتی، رقابت موسسات خصوصی و واسطه‌ها، مشکلات متنوع سازمانی، کمبود سرمایه و نقدینگی از چالشهای جدی فرآوردی تعاونی‌هاست که حل همه این مشکلات به تنهایی از عهده شرکتهای تعاونی خارج است.

حل این معضلات تنها از طریق اقدامات وسیع در سطح ملی و بین المللی و حمایت‌های دولت امکان پذیر خواهد بود. باید قوه محرکه و انگیزه لازم برای اشاعه و ترویج اندیشه تعاونی از طریق عوامل بیرونی ایجاد گردد. به همین جهت دولت نیز در اکثر کشورهای در حال

توسعه درتشکیل وتوسعه تعاونی‌ها بدون آنکه به ماهیت دموکراتیک تعاونی‌ها لطمه ای وارد نماید دخالتی موثرمی نماید. دراین زمینه وبا توجه به نقش مهم وحساسی که تعاونی‌ها درفرایند توسعه کشورها ایفا می نمایند توجه به این نکات حائزاهمیت است :

۱. تقویت روحیه تعاونی مبتنی برخودیاری واحساس مسئولیت باید هرچه بیشتر مورد توجه قرارگیرد ونسبت به اشاعه افکارواندیشه‌های تعاونی ازطریق مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی اقدامات موثری صورت گیرد. زیرا به اعتقاد بسیاری ازکارشناسان، فرهنگ تعاون دربسیاری ازکشورهای درحال توسعه وازجمله کشورما هنوزنهادینه نشده وبخش تعاون مظلوم واقع گردیده است.
۲. اشاعه وترویج روحیه تعاون زنان درکشورهای درحال توسعه مستلزم بهبود درآموزش واصولا توجه زیاد به امرآموزش است، زیرا یکی ازمهمترین مشکل تعاونی‌ها کمبود دانش و مهارتهای فنی وتخصصی ومدیریتی است. دراین زمینه هم می‌توان ازدانش وتخصص افراد داخلی استفاده کرد وهم می‌توان با اعزام مدیران شرکتهای تعاونی به کشورهای دارای سازمانهای تعاونی مدرن وبیشرفته ازدانش ومعلومات آن کشورها نیزاستفاده کرد.
۳. پیشنهاد می گردد حتی المقودورکسانی که به تشکیل شرکتهای تعاونی زنان مبادرت می نمایند دررشته مورد نظر شرکت، آگاهی و تخصص کافی داشته باشند. این امرگرچه ممکن است عده ای را ازعضویت درتعاونی‌ها محروم نماید اما بدلیل تخصص وتجربه تا حدود زیادی مشکل فنی وتخصصی شرکتهای را مرتفع می کند.
۴. بررسی علل وجهات توسعه اقتصادی حاکی ازآن است که نیل به توسعه نیاز به همکاری وتشریک مساعی شدید درسطح بین المللی دارد. مبادله تجربیات بین کشورهاهم ازلحاظ تحقیقات تعاونی وهم ازلحاظ انجام همکاریهای علمی وعملی بین المللی بسیار نافع است. کشورهای درحال توسعه حتما لازم نیست به ایجاد شرکتهایی مبادرت ورزند که دقیقا طبق مدل ونمونه کشورهای پیشرفته باشد. باید وضع شرکتهای را با شرایط وخصوصیات هرکشورومردم آن تطبیق داده ومتناسب با امکانات ، نیاز واستعدادهای خاص هرمنطقه جهت تشکیل تعاونی‌ها گام برداشت.
۵. هرگونه کارشکنی واعمال رفتارودخالتهای بیش ازحد برتعاونی‌ها واعضای آنها وهمچنین محدود کردن فعالیت اعضا، در جهت مخالف توسعه اقتصادی واصل دموکراتیک تعاونی‌ها خواهد بود. مثلا یک شرکت تعاونی اعتبار کشاورزی که عملا و عمدا عضویت دراین شرکت را به گروه کوچکی از کشاورزان محدود می‌سازد صلاحیت خود را بعنوان یک عامل توسعه اقتصادی از دست می‌دهد.
۶. بکارگیری روش‌های مناسب جذب نقدینگی برای افزایش توان اقتصادی شرکتهای و اتحادیه‌های تعاونی درجهت افزایش توانایی مالی تعاونی‌ها و توسعه مشارکت مردم از طریق انتشار اوراق سهام – فروش برگ مشارکت وایجاد همکاری بین شرکتهای بخش خصوصی و دولتی با تعاونی‌های مشابه و همکار نیز در پیشبرد اهداف تعاونی‌ها بسیار موثر است.
۷. افزایش نقش تعاونی‌های مصرف درتوزیع مایحتاج عمومی وتداوم حمایت دولت ازاین تعاونی‌ها با هدف اصلاح ساختارتوزیع کالا درکشور بمنظور کنترل قیمت‌ها ومهارتورم نیزدرامتوسعه بسیاری تواند موثرباشد.
۸. نقشی که دولت در توسعه تعاونی‌ها زنان ایفا می‌نماید بسیار حساس و موثر است. اگر دولت این تعاونی‌ها را به منزله ابزاری که به مقاصد سیاسی او کمک می‌کنند تلقی نماید، نهضت تعاونی بوجود نخواهد آمد و تعاونی‌ها نخواهند توانست نقش ویژه خویش را در توسعه اقتصادی کشور ایفا کنند. دولت باید ابتدا به اقدامات زیربنایی جهت تشکیل و بسط تعاونی‌ها مبادرت ورزد و به شرکتهای تعاونی پس از پشت سر گذاشتن مراحل ثبت و تاسیس از طریق قرار دادن تسهیلات و منابع مالی – البته همراه با نظارت و حسابرسی – کمک کند تا به رشد لازم دست یابند اگر دولت با تسلط کامل بر تعاونی‌ها نظارت وحق اتخاذ تصمیمات مهم را از آنان سلب نماید نهضت تعاونی نخواهد توانست به رشد برسد.

- مریم حسین خواه ، روزنامه اعتماد، شماره ۱۴۲۷ به تاریخ ۸۶/۴/۶، صفحه ۸ (گزارش اجتماعی)
- www.taavon.ir اندیشه سرای تعاون
- مسجedian , مهدی . " تحقیقی پیرامون وضعیت اشتغال, درآمد , فراغت , رضایت شغلی زنان " کمیسیون امور بانوان , ۱۳۷۱
- صابر, فیروزه (۱۳۸۱) " راه های توسعه ی کارآفرینی زنان در ایران " , انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- احمد پور داریانی , محمود. (۱۳۷۹) "کارآفرینی " , انتشارات پردیس .
- زاهدی محمد جواد ۱۳۸۲ توسعه و نابرابری تهران انتشارات مازیار
- روزنامه دنیای اقتصاد ، شماره ۲۷۶۱ ، دوشنبه ۲۴ / ۷ / ۹۱ ، ص ۵
- احمد پویش - حسین جمشیدی، نقش تعاون در توسعه اقتصادی جوامع
- نقش تعاونیها در ایجاد اشتغال برای زنان، موحدی نایینی، سید عبدالحمید، نشریه: اقتصاد تعاون دوره جدید، مهر ۱۳۸۳ - شماره

۱۵۲

- کلباسی اصفهانی، علی اصغر - نقش تعاونیها در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران
- اسماعیل محمود تبار، نقش تعاونی ها در توسعه ی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در ایران
- دکتر غلامحسین حسینی نیا
- نابرابری جنسیتی ، فهیمه ندرلو و سارا سادات باب الحوائجی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم اجتماعی
- اثربخشی آماده سازی شغلی و مهارت های کسب و کار بر توانمندسازی زنان جویای کار استان تهران، خانم دکتر سیمین حسینیان
- جهاد دانشگاهی الزهرا (س)

- Afshar, Haleh. (۱۹۹۸) " Woen and Empowerment : Illustrations from the ThirdWorld", London, Macmillan
- Farel C. Larry. " Reviving the entrepreneurial spirit", (Board, Vol ۳۱, No. ۸, pp ۳۰- ۴۱, ۱۹۹۴)
- D. and Kasarda, J. (۱۹۹۲) " The State of the Art of Entrepreneurship," Boston Publishing.
-